



### آثار جنگ به منطقه محدود نخواهد شد

سیدعباس عراقچی، صبح روز شنبه ۱۹ مهرماه گفت: دنیا بداند که در صورت گسترش جنگ، آثار زیان بار آن تنها به منطقه غرب آسیا محدود نخواهد شد. ناامنی و بی‌ثباتی امری است که می‌تواند به مناطق دیگر و حتی دوردست‌ها سرایت کند. رژیم صهیونیستی، با تداوم سیاست‌های تجاوزکارانه و نقض مکرر حقوق بین‌الملل، نهنته‌ها و ناامنی منطقه‌ای را به خطر انداخته است، بلکه چالشی جدی برای نظام بین‌المللی مبتنی بر قوانین و هنجارها ایجاد کرده است. شهید نصرالله بارها به جهانیان نشان داد که رژیم صهیونیستی به دلیل سرکوب‌گری‌های مستمر خود، تهدیدی برای امنیت نهنته‌ها در منطقه بلکه در کل جهان است. حملات بی‌رحمانه به غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و محاصره‌های اقتصادی، نمونه‌هایی از اقدامات این رژیم است که همگی می‌باید به عنوان جنایات جنگی تلقی شوند. شهید نصرالله با رویکرد بی‌نظیر خود نشان داد که چگونه باید در برابر چنین تهدیدهایی ایستاد، و به ملت‌های جهان آموخت که مقاومت، تنها راه دستیابی به عدالت و حقوق پایدار است. در شرایط کنونی، مسئولیت جامعه بین‌المللی در قبال این بحران‌ها بیش از پیش است. سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی باید با اتخاذ رویکردهای بی‌طرفانه و مبتنی بر عدالت، به وظایف خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عمل کنند. سیدحسن نصرالله همواره بر این باور بود که بی‌توجهی به جنایات رژیم صهیونیستی، پایه‌های عدالت بین‌المللی را تضعیف می‌کند و لذا بر اهمیت چندجانبه‌گرایی و همکاری کشورها برای مقابله با این بحران‌ها تأکید داشت. جنگ کنونی در لبنان، ترکیبی از ابزارهای نظامی، اطلاعاتی، رسانه‌ای و حتی فتنه‌انگیزی میان مسلمان با مسلمان و مسلمان با مسیحی است. هجمه رسانه‌ای، روایت‌سازی دروغین و فتنه‌انگیزی، کمتر از جنگ نظامی مخرب نیست. لبنان موطن هر لبنانی است و این کشور همواره در طول تاریخ، سرزمین زندگی مسالمت‌آمیز مسلمان و مسیحی و پیروان دیگر ادیان و مذاهب بوده و باقی خواهد ماند. نقش رسانه‌های آزاد در این عرصه جهت خنثی‌سازی فتنه‌ها و توطئه‌ها و ایجاد وحدت و همدلی بسیار مهم است. قدر مسلم این است که نخبگان و سیاستمداران لبنانی شرایط را به خوبی درک کرده و با همدلی و وفای این مرحله سخت و البته سرنوشت‌ساز را پشت سر خواهند گذاشت. اکنون برقراری آتش‌بس عادلانه و یاری رساندن به مردم آسیب‌دیده و آواره شده لبنان بایستی اولویت جامعه جهانی باشد. جمهوری اسلامی ایران در این راستا از هیچ تحرك، تلاش و کمکی دریغ نکرده و نخواهد کرد. دنیا بداند که در صورت گسترش جنگ، آثار زیانبار آن تنها به منطقه غرب آسیا محدود نخواهد شد. ناامنی و بی‌ثباتی امری است که می‌تواند به مناطق دیگر حتی دوردست‌ها سرایت کند.



### ادعای مداخله ایران توطئه است

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ادعای مطرح‌شده مبنی بر مداخله ایران در تلاش برای سوءقصد به مقام‌های سابق یا کنونی آمریکا را کاملاً بی‌اساس و مردود دانست. سخنگوی وزارت امور خارجه به تکرار ادعای مداخله ایران در تلاش برای سوءقصد به برخی مقامات آمریکایی اشاره کرد و گفت: تکرار این ادعا در برهه زمانی کنونی توطئه‌ای مشتمل‌کننده از جانب محافل صهیونیستی و ضدایرانی برای پیچیده‌تر کردن مسائل فیمابین واشنگتن و تهران است. سخنگوی دستگاه دیپلماسی با اشاره به طرح اتهام‌های مشابه در ادوار گذشته که موکداً از سوی جمهوری اسلامی ایران رد شده و نادرستی آنها نیز اثبات گردیده است، تکرار این ادعا در برهه زمانی کنونی را توطئه‌ای مشتمل‌کننده از جانب محافل صهیونیستی و ضدایرانی برای پیچیده‌تر کردن مسائل فیمابین آمریکا و ایران توصیف کرد. بقایی در عین حال تأکید کرد همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شده است، جمهوری اسلامی ایران برای احقاق حقوق ملت ایران از همه ابزارهای مشروع و حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده خواهد کرد.

و ماشین‌آلات از شوروی به ایران از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۳؛ (پ) قرارداد کارخانه‌های ذوب‌آهن؛ (ث) قرارداد کارخانه‌های ماشین‌سازی؛ (ث) مقاله‌نامه احداث شاه‌لوله گاز. پس از امضاء قراردادهای اسکاچکوف و جناب آقای دکتر عالیخانی بیاناتی مبنی بر ابراز خوشوقتی و مسرت از انعقاد موافقتنامه‌ها، اظهار اطمینان کردند که قراردادهایی که به امضا رسیده گام بزرگی در راه حسن تفاهم و توسعه روابط اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود. «یادداشت‌های مربوط به تصویب موافقتنامه درباره تحویل گاز طبیعی از ایران به اتحاد جماهیر شوروی و ماشین‌آلات و تجهیزات از اتحاد جماهیر شوروی به ایران از ۲۳ دی ۱۳۴۴ تا ۸ تیر ۱۳۴۵ در تهران مبادله گردید. بنابراین موافقتنامه از تاریخ ۸ تیر ۱۳۴۵ دارای اعتبار قطعی می‌شود. در سندی دیگر، درباره اجرای طرح ذوب آهن کشور براساس موافقتنامه ۲۳ دی ۱۳۴۴ میان دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی آمده است که مذاکرات با سازمان صادرات صنایع سنگین اتحاد جماهیر شوروی به عقد قرارداد ساختمان کارخانه ذوب آهن منجر شد.

پورشیروزی از مدیران شرکت ملی گاز ایران در رابطه با قرارداد گازی ایران و شوروی می‌گوید: «اتحاد جماهیر شوروی و ایران؛ متعاقب این توافق با تفاهم، در دسامبر ۱۹۶۵ و ژانویه سال ۱۹۶۶ که مطابق بادی ماه ۱۳۴۴ است یک هیاتی از طرف ایران تحت‌نظر وزیر اقتصاد وقت آقای علی‌نقی عالیخانی، با مشارکت صفی اصفیاء رئیس سازمان برنامه، دکتر محمدیگانه، و مهندس فرخ نجم‌آبادی که قبلاً ذکرش شد و هوشنگ فرخان که آن موقع در شرکت ملی نفت بود و سه کارشناس نفتی رفتند به شوروی برای مذاکرات. در موافقتنامه‌ای که در آنجا امضاء شد آن قسمتی که مربوط به شاه‌لوله اول گاز است این بود که ده میلیارد مترمکعب گاز برای مدت ۱۵ سال از ایران صادر بشود. چون معامله تهازری بود، در مقابل آن روس‌ها قبول کردند که کارخانه ذوب‌آهن و کارخانه ماشین‌سازی اراک و مقداری از اجناس شاه‌لوله اول گاز، از جمله کمپرسورها را بدهند و در ساختمان طرح شرکت کنند و اجناس دیگری از ایران وارد بکنند. این چارچوب کار بود. به این ترتیب مبنای طرح شاه‌لوله اول گازی بی‌زری شد و قرار شد که گازهایی که در جنوب سوزانده می‌شدند جمع‌آوری بشوند، از ناحیه آغا‌جاری و مارون و اهواز و خط لوله‌ای به قطر ۴۲ اینچ تا تهران و ۴۰ اینچ تا آستارا، به طول ۱۱۰۰ کیلومتر و انشعاباتی هم برای گازرسانی به شهرها در نظر گرفته شد، به ترتیب از جنوب شروع کنیم، برای شیراز، اصفهان، قم، کاشان و تهران و بعداً شهر صنعتی البرز به آن اضافه شد. این انشعاباتی بود که در چارچوب طرح شاه‌لوله گاز ساخته شد. البته گاز تا موقعی که من در شرکت ملی گاز بودم به شهرهای دیگری هم داده شد و الان شاید در حدود دویست الی دویست و پنجاه شهر و روستای مملکت از گاز استفاده می‌کنند، شهرهای بزرگ و کوچک، طرح دو هدف داشت: مصرف داخلی و صادرات. از جمع ظرفیت طرح که ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال بود، ۶ میلیارد برای مصارف داخلی تخصیص داده شده بود و ده میلیارد برای صادرات. صددرصد صادرات به شوروی بود و معامله هم تهازری بود.»

قرارداد گازی ایران با شوروی به این شکل کمک بزرگی به توسعه صنعتی ایران نمود و صنایع سنگین ایران که غربی‌ها حاضر به انتقال آن به ایران نبودند با کمک شوروی ایجاد شد. این وضعیت آغازگر بهبود روابط دوجانبه شد و در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران مجموعه‌ای از توافق‌ها مانند اقتصادی، فناوری، نظامی- فنی، علمی، همکاری‌های فرهنگی و آموزش‌های صنعتی- فنی اجرا شد. خط لوله در سال ۱۳۴۳ میان ایران و شوروی مورد توافق قرار گرفت و در سال ۱۳۴۸ در آستارا توسط محمدضاهلپه‌لوی و نیکلای یادگورنی، رئیس هیئت‌رئیس‌ه شوروی افتتاح شد. میان سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷، گاز طبیعی جمهوری‌های قفقاز جنوبی شوروی توسط این خط لوله تأمین شد. در ازای آن شوروی متعهد شد که ذوب‌آهن اصفهان را احداث نماید و فناوری ماشین‌سازی صنایع سنگین را به ایران منتقل نماید که خود به تأسیس ماشین‌سازی اراک منجر شد. این پروژه مهمترین قرارداد اقتصادی میان ایران و شوروی در زمان پهلوی بود و زمینه انتقال تجهیزات شوروی به ایران را فراهم کرد. شاه به دلایل سیاسی دستور داد قیمت کارشناسی شده که طرفین مذاکرات درباره آن به توافق رسیده بودند لغو و قیمت گاز برای شوروی کاهش یابد. این طرح را می‌توان به لحاظ تاریخی و تکنولوژیکی، پایه و اساس صنعت گاز ایران تلقی کرد. ایران با این پروژه صادرات سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز به شوروی را از اوایل دهه ۵۰ خورشیدی به مدت ۷ سال آغاز کرد.

با آغاز انقلاب، نه‌تنها این صادرات متوقف شد، بلکه برنامه ایران با اتحادیه جماهیر شوروی برای انتقال گاز به اروپا نیز متوقف شد. آن زمان قرار بود گاز ایران به مدت ۲۰ سال از خاک اتحادیه جماهیر شوروی به اروپا منتقل شود. پس از انقلاب اسلامی، تأمین گاز توسط ایران متوقف شد. صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه وقت ۱۳ خرداد ۱۳۵۹ در رابطه با آن گفت: «قرارداد گاز ما با شوروی یکی از استعماری‌ترین قراردادهایی بود که بر روی کره‌ی زمین وجود داشت. شوروی گاز ما را ۲۷ سنت می‌خرد و در کشورهای اروپایی تا ۵/۵ دلار می‌فروخت و بعد لطف کردند و آن را به ۶۳ سنت افزایش دادند و وقتی که با مخالفت شدید ما روبه‌رو شدند و ما پیشنهاد ۲/۶ دلار کردیم آن‌ها با ۲/۱۰ دلار موافقت کردند. بنابراین این‌گونه قراردادهای توسط همه‌ی کشورها به ما تحمیل شده بود.»

مؤید آن است که در آینده روابط حُسن همجواری و دوستی دو کشور روز به روز مستحکم‌تر شده و کشور ایران می‌تواند از موفقیت‌های درخشانی که در تمام شئون نصب کشور اتحاد جماهیر شوروی شده و فرهنگ و علوم درخشان این همسایه بزرگ استفاده نماید. کشور ایران با شواهد گوناگون ثابت نموده است که همواره پشتیبان صلح و صفا بوده و خواستار آن است که در سایه دوستی و مؤدت با تمام کشورها به‌خصوص همسایگان خود خاصه همسایه‌بزرگ شمالی یعنی کشور اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌های عمرانی که برای بهبود و ترقی وضع زندگانی مردم تهیه شده است اجرا نماید. ملت ایران در این راه به موفقیت‌های زیادی نائل آمده و این دوستی و نزدیکی بین دو کشور که اکنون با کمال مسرت شاهد آن می‌باشیم یکی از مظاهر همین سیاست مدبرانه است و ما اطمینان داریم که با پیروی از این سیاست که به نفع هر دو کشور دوست و همسایه بوده و با مبادله هیأت‌های مختلف و رفت و آمدهای دوستانه روز به روز حُسن تفاهم و دوستی ما محکم‌تر خواهد شد.»

دولت ایران در سال ۱۳۴۱ در اعلامیه‌ای به شوروی اطمینان داد که هیچ کشوری حق داشتن پایگاه موشکی در خاک ایران را نخواهد داشت و دولت اتحاد جماهیر شوروی در استقبال از این اعلامیه، در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به نفع شاه موضع گرفت. علت انعطاف شوروی نسبت به ایران به عقب‌نشینی اتحاد جماهیر شوروی در برابر آمریکا در پی واقعه خلیج خوک‌ها و برچیده شدن پایگاه‌های شوروی در کوبا، جنگ سرد آمریکا و شوروی جای خود را به مذاکرات دوستانه داد. در دهه چهل روابط ایران و شوروی رو به گسترش نهاد، بلکه به سبب حمایت شوروی از اصلاحات اجتماعی شاه، روابط از چارچوب مبادلات بازرگانی درآمد و مرحله جدید از همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی میان دو کشور آغاز شد. در ۵ مرداد ۱۳۴۲ ایران و شوروی، در تهران موافقتنامه همکاری اقتصادی امضاء کردند تا طبق این موافقتنامه اتحاد جماهیر شوروی به ایران برای ایجاد ایستگاه هیدرولکتربیک روی رودخانه ارس کمک کند. از این گذشته پانزده سیلو و کارخانه تکثیر ماهی و لایروبی مرداب بندر پهلوی در بحر خزر طبق این موافقتنامه صورت می‌گیرد. چهار ماه بعد قرارداد ترانزیت بسته شد. بنابراین قرارداد امتیازاتی برای حمل کالای ایران از قلمرو شوروی منظور شد. روابط ایران و شوروی پس از فرازونشیب‌های بسیار، سرانجام به نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز انجامید؛ به‌طوری که دو کشور به‌ویژه ایران، خواهان گسترش روابط در تمام زمینه‌ها بودند. برای نمونه آمیت سفیرکبیر ایران در باب مذاکرات عالیخانی وزیر اقتصاد با پاتولیچف وزیر تجارت خارجی اتحاد جماهیر شوروی، در نامه‌ای محرمانه برای هیراد رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی نوشت: «مهمترین مسأله‌ای که در مذاکرات آقای پاتولیچف با آقای عالیخانی، از طرف آقای عالیخانی به میان آورده شد و با اصرار و تأکید مورد تشریح قرار گرفت، این بود که چرا شوروی‌ها ترانزیت خود را از راه خرمشهر شروع نمی‌کنند. آقای دکتر عالیخانی توضیح می‌دادند و تقاضا می‌کردند که شوروی تجارت خود را با زاین از راه ایران و خرمشهر انجام دهد و همبظور با هند و پاکستان و شرق دور. جناب آقای دکتر اصرار می‌فرمودند که ما دستور اکید داده‌ایم که برای حمل و انبارداری و بارگیری و باراندازی و خلاصه همه امور بندری تقدم مخصوص و استثنایی برای کالاهای ترانزیتی شوروی قائل شوند.»

### گاز مبنای دوستی

محمدرضاشاه در سفر خرداد ۱۳۴۴ به مسکو، با مقامات شوروی درباره مسائل مختلف اقتصادی و همکاری سیاسی و صنعتی میان دو کشور به‌گفت‌وگو پرداخت. از نتایج مسافرت شاه به مسکو، انعقاد موافقتنامه‌های متعدد اقتصادی و بازرگانی و از همه مهمتر، موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی برای احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان و تأسیس کارخانه ماشین‌سازی اراک در ۲۳ دی ۱۳۴۴ بود. احمد میرفندرسکی، سفیرکبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی در این باره نوشته است: «هیاتی به ریاست جناب آقای دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد و عضویت جناب آقای مهندس اصفیا مدیرعامل سازمان برنامه و سیزده نفر از کارشناسان وزارت اقتصاد و ذوب‌آهن و شرکت ملی نفت ایران سه‌شنبه ۷ دی ۱۳۴۴ به مسکو وارد گردیدند. مذاکرات هیأت اقتصادی ایران با هیأت نمایندگی شوروی به ریاست آقای اسکاچکف رئیس کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی شوروی، برای حصول توافق نهایی بر اساس موافقت‌های اصولی که درباره تشریک مساعی اقتصادی و فنی و ساختمان کارخانه ذوب‌آهن و واحدهای صنعتی دیگر در جریان تشریف‌فرمایی شاهنشاه به شوروی در تیرماه گذشته انجام گرفته بود، شروع گردید. به موازات این امر، مذاکرات دیگری با هیأت نمایندگی شوروی به ریاست آقای پاتولیچف وزیر بازرگانی خارجی شوروی، برای مبادله گاز ایران در برابر ماشین‌آلات و تأسیسات و سایر کالاها به عمل آمد. اعضای هیأت اقتصادی ایران به چند گروه تقسیم [شدند] و با کارشناسان و نمایندگان سازمان‌های شوروی که در مسائل گاز، ذوب‌آهن و ماشین‌سازی مسئول بودند مرتباً جلسه داشته و جزئیات امور را بررسی می‌نمودند. مذاکرات هیأت بیش از دو هفته به طول انجامید و بالاخره روز پنج‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۴۴ ساعت ۱۱ و نیم صبح در کاخ باشگاه وزارت خارجه شوروی موافقتنامه‌های ذیل به امضاء رسید: الف) موافقتنامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی درباره همکاری به منظور ایجاد تأسیسات صنعتی و تأسیسات دیگر در ایران و واگذاری اعتبار برای این مقاصد؛ ب) موافقتنامه درباره تحویل گاز طبیعی از ایران به شوروی

که کمال علاقه را به آن داریم نباید خللی وارد آورد.» از زمان پیوستن ایران به پیمان سنتو در سال ۱۳۳۴ روابط ایران و شوروی رو به وخامت گذاشته بود و تبلیغات رادیو مسکو علیه ایران موجب نگرانی شخصی شاه شده بود. او از زمان وزارت علی‌اصغر خان حکمت در کابینه منوچهر اقبال به دنبال حل این مشکل بود. محمدرضاشاه ابتدا پیشنهاد شکایت از شوروی به شورای امنیت را مطرح کرد که با پاسخ جلال عبده، وزیر پیشنهادی منوچهر اقبال که سابقه حضور در سازمان ملل و شورای امنیت را داشت متوجه شد این امر سودی نخواهد داشت. غلامعباس آرام نیز تحت نظارت خود شاه مأموریت حل مشکل روابط با شوروی را بگیری کرد و در نهایت این مهم به بدالله عضدی رسید. حل تنش‌ها در روابط با شوروی یک روند چندساله را طی کرده بود و دوران وزارت عضدی نیز در این میانه قرار گرفته است. محمدرضاشاه سال ۱۳۳۵ در سفر به مسکو اطمینان داد که سنتو یک پیمان دفاعی است و تهران هرگز در هیچ گروه و ائتلافی که ماهیت تهاجمی علیه شوروی داشته باشد، شرکت نمی‌کند و نخواهد کرد.

### اقتصاد مبنای دوستی مسکو و تهران

با این حال سیاست شوروی در دوره خروشچف که مبنی بر کاهش تنش بود منجر به دعوت از محمدرضاشاه پهلوی برای سفر به شوروی شد. دولت ایران نیز که با آراه به پیمان بغداد پیوسته بود و از تحریک بیش از اندازه شوروی بیمناک بود، از این دعوت استقبال کرد و سفر شاه به مسکو میزان تنش و تیرگی روابط دو کشور را کاهش داد. بعد از این سفر، برای رفع اختلافات مرزی و تسویه مطالبات ایران، تفاهمنامه‌ای به امضاء رسید. بر اساس این تفاهمنامه، حدود مرزی دو کشور به‌طور دقیق تعیین شد. با ابتکار ایران، از آذر ۱۳۳۷ تا بهمن ۱۳۳۸ مذاکراتی برای معاهده دوستی و عدم تجاوز با اعتبار ۲۰ ساله بین دو کشور انجام شد. دکتر اردلان، وزیر امور خارجه، در مصاحبه ۳ اردیبهشت ۱۳۳۶ درباره توسعه روابط با اتحاد جماهیر شوروی گفت: «پس از آنکه کلیه امور مربوط به علامتگذاری و تجدید علامتگذاری مرز دولتی بین ایران و شوروی در طول قریب به ۲۰۰۰ کیلومتر پایان یافت، لازم بود که اسناد نهایی راجع به آن به امضاء برسد. با آقای کوزنیتسوف در باب مسائل مختلف مربوط به روابط دو کشور مذاکراتی به عمل آمد. در این مذاکرات طرفین متفق‌القول بودیم که پایان علامتگذاری مرز و امضای اسناد و پروتکل نهایی موجب می‌شود تا اختلافات و سوءتفاهمات مرزی که متجاوز از یک قرن پیش داشتیم برطرف گردد و به علاوه انجام این کار مسلمانان در توسعه و تحکیم روابط حسنه فیمابین کمک مؤثر خواهد کرد. در باب موافقتنامه ترانزیت نیز صحبت کردیم. البته می‌دانید که به موجب ماده ۱۰ قرارداد بازرگانی ۱۳۱۹ طرفین حق ترانزیت را برای یکدیگر شناخته‌اند، منتهی از لحاظ سنگینی تعرفه شوروی و قیود دیگری که در ماده مذکور ذکر شده بود به کار بردن آن مقرون به‌صرفه تجار نبود و از آن استفاده نمی‌کردند. اینک دولت شوروی این قیود را مرتفع و تسهیلات و تخفیفاتی نیز در تعرفه‌ها رهن پیشنهاد کرده است و هیأت مختلطی از طرفین در تهران مشغول مطالعه و مذاکره هستند و امیدوارم به زودی به نحو رضایت‌بخشی موافقت نهایی حاصل شود. بنابراین امر ترانزیت از راه شوروی مسأله تازه‌ای نیست و در قرارداد ۱۳۱۹ پیش‌بینی شده بوده منتهی اکنون اصلاحاتی در آن به نفع ما می‌شود. در آخر باید بگویم دولت ایران از مسافرت آقای کوزنیتسوف و هیأت نمایندگی شوروی به ایران بسیار خوشوقت است و امیدوارم همکاری صمیمانه و حُسن تفاهم و احترام متقابل موجود روزبه‌روز توسعه یابد و روابط حسنه فیمابین تشدید و تحکیم شود.»

تهران در این روند خواستار اصلاحیه در متن معاهده دوجانبه را داشت که ایران در صورت مشارکت در پیمان بغداد با تحریم‌هایی مواجه خواهد شد اما شوروی از امضا امتناع کرد. مذاکرات متوقف شد و ایران «دکترین آیزنهاور» را به مرحله اجرا درآورد. رئیس جمهوری وقت آمریکا در دکترین خود با اشاره به تهدید شوروی اعلام کرده بود که نیروهای آمریکایی برای «تأمین و حفاظت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورهای نیازمند به کمک در مقابل تجاوز نظامی کشورهای تحت کنترل کمونیسم بین‌الملل» آمادگی کامل دارد. در این راستا، تهران واکنشتن ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ موافقتنامه دوجانبه نظامی امضا کردند که نیروهای مسلح آمریکا این امکان را داشتند که از خاک ایران استفاده کنند. این مسئله به یکی از بزرگترین دوران تشدید تنش روابط ایران با همسایه شمالی منجر شد و امکان قطع کامل روابط را به مرز یک تار مور رساند. واکنش مسکو نسبت به پیمان ایران و آمریکا منفی بود. نیکیتا خروشچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی که از سیاست تهران بسیار خشمگین شده بود، با اشاره به فصل ششم پیمان ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین مسکو و تهران به شاه یادآور شد که «دولت شوروی حق دارد نیرو به خاک ایران اعزام کرده تا برای دفاع از خود اقدامات لازم را به عمل آورد.» وقوع انقلاب عراق و نفوذ شوروی در افغانستان همچنان که موجب بیم شده بود دولتمردان ایرانی را به بهبود مناسبات با شوروی رهنمون کرد. سفیر ایران در شوروی در نطق ضیافت به افتخار ورود هیأت پارلمانی ایران به اتحاد جماهیر شوروی گفت: «در این مدت نسبتاً قلیلی که از آغاز این دوره نوین دوستی و یگانگی می‌گذرد ما شاهد موفقیت‌های زیادی در این راه بوده‌ایم و برای نمونه می‌توان حل‌وفصل قضایای مرزی و انعقاد قرارداد ترانزیت را نام برد. قدم‌های درخشانی که در روابط بین دو کشور ما برداشته شده و حسن نیتی که در تمام شئون روابط دوستی و همسایگی دو کشور دیده می‌شود